



An Analysis of the Quantity of Quranic (Tilawat) Recitation in Islamic Narrations with Emphasis on the Thoughts of the Supreme Leader (Imam Khamenei) *

Seyed Mojtaba Akhtar Razavi¹ and Ahmad Zarnegar²

Abstract



The Holy Quran serves as the ultimate guide for humanity and stands as the sole celestial text that remains unaltered. It leads individuals toward the most reliable path. It is clear that the potential to derive guidance from this divine scripture is attainable through persistent and ongoing interaction with it. The initial step in this interaction is the recitation of the Quran. In this regard, the Noble Prophet Mohammad (peace be upon him and his progeny) and the revered Ahl al-Bayt (peace be upon them) have provided numerous recommendations. Various dimensions of Quranic recitation merit investigation, particularly the frequency of recitation, or the volume of the Quran that is read. Since reading the Quran constitutes one of the fundamental responsibilities of every believer in this life-affirming text, the inquiry into the appropriate daily reading amount is of considerable significance and concern for all individuals. This study utilizes a descriptive-analytical approach, examining narrations from both Sunni and Shia traditions. Furthermore, insights from the official website of the Supreme Leader have been gathered and documented. The results of this research reveal that, according to the views of the Noble Prophet Mohammad (peace be upon him and his progeny) and his esteemed Ahl al-Bayt (peace be upon them), the daily and consistent recitation of the Quran, to the extent of one's ability and circumstances, is an obligation for every Muslim. Nevertheless, the quality of Quranic recitation holds greater importance than its quantity. Quality encompasses the accurate pronunciation of Quranic words, adherence to proper pauses and beginnings, and, most crucially, reflection on its meanings. Additionally, factors such as the timing and setting of recitation also influence the volume of Quranic reading. This article further illustrates that the Supreme Leader's statements on these matters are corroborated by authentic narrations.

Keywords: Quranic Recitation (Tilawat), Quran Reading, Quantity, Amount of Reading, Quality, Daily, Engagement with the Quran, Tarteel, Contemplation.

*. **Date of receiving:** 19/09/2023, **Date of approval:** 14/08/2024.

1. Assistant Professor of the Department of Quranic Sciences and Recitation Techniques at the Quran and Hadith Higher Educational Complex, Al-Mustafa International University (MIU), Qom, Iran. (Corresponding Author): seyedmajtaba_akhtarrazavi@miu.ac.ir.

2. Assistant Professor of the Department of Islamic Studies at The Islamic Republic of Iran Broadcasting University (IRIBU), Tehran, Iran: zarnegar@iribu.ir.



تحلیل کمیت تلاوت قرآن در روایات اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های

مقام معظم رهبری *

سیدمجتبی اختر رضوی^۱ و احمد زرنegar^۲



چکیده

قرآن کریم که آخرین نسخه هدایت بشر و تنها کتاب آسمانی مصون از تحریف می باشد، انسان را به استوارترین راه رهنمون می سازد. بدیهی است، هدایت‌پذیری از این هدیه الهی در پرتو انس مدام و مداوم با آن میسر است. نخستین گام انس با قرآن تلاوت قرآن است. از این رو رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت اطهار ﷺ سفارشات فراوانی در این زمینه ابراز داشته اند. در زمینه خواندن قرآن مسائل گوناگونی قابل بررسی است. از جمله این مسائل مقدار خواندن یا به عبارت دیگر کمیت تلاوت قرآن است. با توجه به این که خواندن قرآن از وظائف اصلی هر فرد باورمند به این کتاب زندگی ساز است، مسئله میزان خواندن قرآن اهمیت زیادی دارد و دغدغه همه افراد است که هر روز به چه میزان باید قرآن خوانده شود. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با جستجو در منابع حدیثی فریقین فراهم آمده است در ضمن با مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری دیدگاه معظم له در این زمینه نیز استخراج و مورد مستندسازی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که بر اساس دیدگاه رسول گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت مکرشان ﷺ خواندن روزانه و مستمر قرآن به مقدار توان و فرصت از وظایف هر مسلمان است. البته کیفیت خواندن قرآن مهمتر از کمیت آن است. منظور از کیفیت خواندن اداء صحیح کلمات قرآن و رعایت مواضع مناسب وقف و ابتدا و از آن مهمتر توجه به معانی قرآن است. همچنین مسائل دیگری در کمیت تلاوت قرآن اثرگذار است از جمله زمان و مکان تلاوت قرآن. این مقاله همچنین نشان می دهد بیانات مقام معظم رهبری در این موضوعات دارای پشتوانه روایی است.

واژگان کلیدی: تلاوت قرآن، قرائت قرآن، کمیت، مقدار خواندن، کیفیت، روزانه، انس با قرآن، ترتیل، تدبر.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۳۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۴/۲۵.

۱. استادیار گروه علوم و فنون قرائات مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی ص العالمیة، ایران، قم، (نویسنده مسئول):

seyedmojtaba_akhtarrazavi@miu.ac.ir

۲. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران: zarnegar@iribu.ir



مقدمه

قرآن کریم بشریت را به استوارترین راه رهنمون می‌سازد. روشن است انسان برای بهره‌مندی از این هدایت باید با این نسخه آسمانی مأنوس باشد. از این رو هم در آیات قرآن کریم و هم در سخنان و سیره رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فراوان نسبت به خواندن قرآن سفارش شده است. مسئله اساسی نوشتار حاضر بررسی مقدار تلاوت روزانه قرآن از منظر روایات است. در این مقاله پس از تحلیل مدلول احادیث وارده در این زمینه، دیدگاه مقام معظم رهبری در این زمینه مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

پیشینه و بررسی منابع

مسئله مقدار خواندن قرآن ریشه‌های قرآنی و حدیثی دارد. با توجه به آیات قرآن که تأکید بر تلاوت این کتاب انسان‌ساز دارد، به ویژه آیه «و رتل القرآن ترتیلاً» و از آن مهمتر «فاقرئوا ما تیسر من القرآن» که هر دو در سوره مبارکه مزمل قرار دارد، مفسران قرآن در طول تاریخ کم و بیش مطالبی درباره میزان قرائت قرآن بیان کرده‌اند که بخشی از این مطالب همسو با مسئله مورد بحث در مقاله حاضر است. از طرفی احادیث متعددی در منابع فریقین وجود دارد که به صورت صریح یا ضمنی به مسئله کمیت تلاوت قرآن دلالت دارد. در جوامع حدیثی متعدد کتاب‌هایی با عناوین فضل القرآن یا فضائل القرآن قابل مشاهده است، از جمله کتاب ارزشمند اصول کافی که بخشی از آن با عنوان «کتاب فضل القرآن» بسیار مهم است. بعدها کتابهای مستقلی با عنوان «فضائل القرآن» که غالباً صبغه روایی داشتند، فراهم آمد. سه اثر یا همین عنوان از «ابوعبید قاسم بن سلام»؛ «ابن ضریس بجلی» و «جعفر بن محمد بجلی» - که هر سه به نوعی مربوط به قرن سوم هجری می‌باشند - قابل ذکر است. در این گونه کتب روائی به صورت ویژه و در سائر کتابهای حدیثی به صورت عام، روایاتی قابل مشاهده است که با این مقاله همسومی باشد.

در دوران معاصر کتاب‌های متعددی در باب احکام و آداب تلاوت قرآن توسط نویسندگان گوناگون فراهم آمده است، مباحث اندکی از این کتابها به نوعی با این مقاله مرتبط است، البته روشن است که میان این آثار و این مقاله از لحاظ، مسئله مورد تحقیق و روش و نتیجه تفاوت‌های فراوانی وجود دارد.

کتابی تحت عنوان «برنامه تلاوت روزانه قرآن» توسط محمد علی کریمی نیا نوشته شده که در آن صرفاً یک برنامه حدوداً چهار ماهه برای ختم قرآن ارائه داده است، هر چند چهل حدیث در زمینه تلاوت قرآن به این کتاب ضمیمه شده است، اما این روایات هیچ گونه دسته‌بندی و تحلیل ندارد. بنابر این به نظری رسد به صورت خاص کتاب یا مقاله‌ای که مسئله کمیت تلاوت قرآن را مورد واکاوی قرار دهد، دیده‌نمی‌شود.

مفهوم‌شناسی

پیشنیاز هر بحثی شناخت دقیق و فهم واژگان کلیدی آن بحث است. لذا ضروری است پیش از ورود به اصل بحث، کلمه حفظ مورد بررسی قرار گیرد و معنای لغوی و اصطلاحی آن روشن شود.

کَمِّیت

کمیت از واژه‌های پر کاربرد امروزی است که در واقع مصدر جعلی از اداة استفهام «کم» ساخته شده است. «کم» برای پرسش از عدد به کار می‌رود و گاهی به صورت خبری به معنای «رُبَّ» نیز به کار می‌رود. (فراهیدی، العین: ۱۴۱۰ق، ۲۸۶/۵؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۷۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۸/۱۲) گفته می‌شود «کم» استفهامیه در اصل ترکیبی از کاف تشبیه و «ما» استفهام است که الف آن حذف شده است. (فراهیدی، العین، ۱۴۱۰ق، ۲۸۶/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۲۸/۱۲) اگر این واژه به صورت اسم تام به کار رود، میم آن مشددمی شود. «اکثرت من الکم» در این صورت معنای «کمیت» یعنی مقدار دارد. (جوهری، ۱۴۱۰ق: ۲۰۲۵/۵)

معادل فارسی به «اندازه، مقدار و چندی» است. واژه «کمیت» بیشتر در مقابل «کیفیت» به کار می‌رود. برای بیان آنچه قابل شمارش (اندازه پذیر) است از کمیت و آنچه غیر قابل شمارش (اندازه ناپذیر) است، از کیفیت استفاده می‌کنند. از این رو برخی واژه‌شناسان فارسی آن را «اندازه و مقدار» بیان کردند. (فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه)

در این تحقیق منظور از «کمیت» همان مقدار، اندازه و میزان تلاوت است.

تلاوت

تلاوت از ریشه «ت ل و» در لغت به معنای متابعت است. (فراهیدی، العین: ۱۴۱۰ق، ۱۳۴/۸؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۱۶۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳۵۱/۱) متابعت گاهی جسمانی و گاهی با پیروی از مواعظ و حکمت‌ها و گاهی با قرائت و تدبیر در معناست؛ البته در دو صورت اول مصدرش «تَلَّوْ» و «تَلَّوْ» و در صورت سوم «تلاوة» است. مفسران نیز تلاوت را به معنای خواندن و برگرفته از معنای اصلی آن (در پی آمدن) دانسته‌اند.

از جمله به نوشته شیخ طوسی (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۹۹/۱) و مرحوم طبرسی (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۳ش: ۱۹۱/۱) و علامه طباطبایی (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۹۰ق: ۲۹۵/۵) خواندن (قرائت) را از آن رو تلاوت می‌گویند که حروف از پی یکدیگر می‌آیند.



خواندن را تلاوت می‌گویند چون حروف در پی یکدیگر ادامی شوند و به آن قرائت می‌گویند از آن رو که حروف در یک جا جمع می‌شوند (اصل معنای «ق-ر-ء» جمع شدن است). البته معنای بالاتر و عمیق‌تری از تلاوت نیز بیان شده است که عبارت است از خواندنی که عمل و پیروی از آیات را در پی دارد. این معنا از موضوع نوشتار خارج است و مقصود از تلاوت در این مقاله همان خواندن است. دیگر واژه‌های کلیدی این مقاله از جمله قرآن و روایات روشن است و بسیار مورد بررسی قرار گرفته است، از این رو بحث از آن در این مجال ضروری نمی‌نماید.

تحلیل روایات مربوط به کمیت تلاوت قرآن

مقدار تلاوت روزانه قرآن

روایات فراوانی در منابع فریقین در زمینه میزان تلاوت قرآن وارد شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قرآن پیمان خدا به سوی مخلوقاتش است، بنابر این بر هر فرد مسلمانی سزاوار است که به این پیمان بنگرد و روزانه پنجاه آیه تلاوت کند. (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵ ش: ۶۰۹/۲)

یکی دیگر از روایاتی که از مرتبط‌ترین روایات این موضوع است، روایتی است که سعد بن طریف از امام محمد باقر (علیه السلام) و ایشان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌فرمایند: هر کس در شب ده آیه تلاوت کند، در زمره غافلان به شمار نمی‌آید، و هر کس پنجاه آیه تلاوت کند، از ذاکرین (کسانی که به یاد خدا هستند) شمرده می‌شود، و هر کس صد آیه تلاوت کند، از قانتین (عبادت‌کنندگان) شمرده می‌شود، و هر کس دویست آیه تلاوت کند، از خاشعین (فروتنان) شمرده می‌شود، و هر کس سیصد آیه تلاوت کند، از فائزین (کامروایان) شمرده می‌شود، و هر کس پانصد آیه تلاوت کند، از مجتهدین (تلاشگران) شمرده می‌شود، و هر کس هزار آیه تلاوت کند، برای وی یک قنطار طلا نوشته شود، و هر قنطاری پانزده هزار مثقال طلاست و هر مثقالی بیست و چهار قیراط است، که کوچکترین آن بسان کوه احد و بزرگترین آن ما بین آسمان و زمین است. (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۶۱۲/۲؛ حر عاملی، ۱۳۶۷ ش: ۲۰۱/۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۷۲۸/۹؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق: ۲۳/۴) این حدیث در منابع بسیاری نقل شده است که در برخی از منابع به جای پانزده هزار مثقال، پنج هزار (کفعمی، ۱۴۰۵ ق: ۴۵۳/۱، صدوق، ۱۴۰۳ ق: ۱۴۷)، در برخی پنجاه هزار (صدوق، ۱۳۷۶ ش: ۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۹۶/۸۹؛ شعیری، بی تا:) و در برخی منابع پانصد هزار (صدوق، ۱۴۰۶ ق: ۱۰۳؛ دیلمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۶۸) ذکر شده است.

نکته قابل تامل در این روایات تفاوت در عدد ذیل روایت است. این تفاوت شاید به دلیل تفاوت در مقدار قنطار باشد. به عبارت دیگر قنطار اصطلاحی است که بر مقادیر متفاوتی دلالت دارد. البته اثبات قطعی این امر مستلزم بررسی دقیق این مسئله با توجه به لغت و کتب روایی است. احتمال اینکه حدیث چند بار با مقدارهای متفاوت از لسان نبی گرامی ص صادر شده باشد نیز وجود دارد. هرچند این احتمال به دلیل تطابق تقریباً کامل در دیگر الفاظ حدیث بعید به نظر می رسد. احتمال سوم، سهو یا تصحیف از سوی ناقلان و نگارندگان احادیث است، به هر حال بیان نظر قطعی در این زمینه جای تامل بیشتری دارد. دیلمی نیز همین روایت را نقل کرده است البته در صدر روایت جمله ای اضافه دارد: هیچ چیز برای شیطان سخت تر از خواندن قرآن از روی مصحف نیست. مصحف در خانه شیطان را دور می سازد. (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۳۶۸) آنگاه مضمون مذکور را نقل کرده است. احتمال اینکه این دو احادیث جداگانه باشند و مؤلف کتاب به دلیل تناسب مضمونی آن دو را کنار هم ذکر کرده است، وجود دارد. روایت دیگری که تا حدودی به این روایت می ماند، روایتی است که از طریق انس از رسول خدا ص نقل شده است: هر که صد آیه بخواند از غافلان شمرده نمی شود، و هر کس دویست آیه تلاوت کند، از قانتین (عبادت کنندگان) به حساب آید و هر کس سیصد آیه بخواند، قرآن با وی خصومت نکند. (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۴۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹۹/۸۹؛ حرعاملی، ۱۳۶۷ش: ۱۹۰/۶)

نیز محدث نوری روایتی از ابن ابی جمهور نقل کرده است که انس از پیامبر ص چنین روایت می کند: هر کس در شب یا روزش پنجاه آیه تلاوت کند، از غافلان نوشته نشود، و هر کس صد آیه بخواند از قانتین (عبادت گزاران فرمانبردار) شمرده می شود، و هر کس دویست آیه بخواند، قرآن در روز قیامت به محاجه وی نیاید، و هر که پانصد آیه تلاوت کند، برایش قنطاری نوشته شود. (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۶۲/۴)

در ارشاد القلوب دیلمی روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: هر که در شب هفتاد آیه تلاوت کند، از غافلان نمی باشد. (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۹۵) احتمال دارد منظور از این روایت خواندن این تعداد آیات در نماز شب باشد، زیرا مؤلف کتاب عنوان باب را «فی فضل صلاة اللیل» ذکر کرده است.

قریب به این گونه احادیث در منابع اهل سنت نیز روایاتی نقل شده است. ابن ابی شیبیه روایتی در کتابش «مصنف» نقل کرده است. ابو درداء از رسول خدا ص نقل می کند: هر کس در شب صد آیه بخواند از غافلان شمرده نمی شود و هر کس دویست آیه بخواند از قانتان شمرده می شود، و هر کس پانصد تا هزار آیه قرائت کند، برایش قنطاری از پاداش خواهد بود و هر قیراط مانند تپه ای سترگ می باشد. (ابن ابی شیبیه، المصنف، ۱۴۰۹هـ-ق: ۱۳۴/۶؛ بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۴۰۱/۲)



در این گونه روایات دو تعبیر «قنطار» و «قیراط» بیان شده است. اما تصریح نشده است که چه نسبتی میان این دو واژه وجود دارد. آیا هر دو بیانگر یک شیء هستند، یعنی آیا نسبت میان این دو تساوی است، یا اینکه یکی بزرگتر از دیگری است. این احتمال نیز وجود دارد که یک جمله‌ای از حدیث افتاده باشد. همان حلقه مفقوده‌ای که نسبت میان قنطار و قیراط را بیان کند.

در همین کتاب چندین روایت دیگر به صورت موقوف یا مقطوع نیز به چشم می‌خورد که از بحث و بررسی آن صرف نظر می‌شود. (ر.ک: ابن ابی شیبہ، همان)

طبرانی روایتی توسط ابو امامه از رسول گرامی اسلامی نقل می‌کند: هر که در شب ده آیه تلاوت کند، در زمره غافلان نوشته نمی‌شود. هر که صد آیه بخواند، [عبادت کل شب برایش در نظر گرفته می‌شود، و هر کس دویست آیه بخواند، از قانتان به حساب آید، و هر کس چهارصد آیه بخواند،] از عبادت گزاران شمرده شود، هر کس پانصد آیه بخواند، از حافظان و هر کس ششصد آیه بخواند از خاشعان، هر کس هشتصد آیه بخواند از محبتان نوشته شود. هر کس هزار آیه بخواند صاحب قنطاری شود و هر قنطار هزار و دویست اوقیه باشد و اوقیه بهتر است از آنچه میان آسمان و زمین قرار دارد و هر کس دو هزار آیه بخواند، از موجبین خواهد بود. (طبرانی، مسند الشامیین، ۱۴۰۹ هـ.ق: ۴/۲؛ نیز همو، المعجم الکبیر، بی تا: ۱۸۰/۸؛ نیز ر.ک: دارمی، سنن دارمی، ۱۴۲۱ هـ.ق: ۴/۲۱۴۰؛ بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ هـ.ق: ۴۰۱/۲)

حدیث دیگر اسحاق بن عمار روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: هر که شب در نمازش (نماز شب) صد آیه تلاوت کند، خداوند متعال عبادت تمام شب را برای وی ثبت می‌کند و هر کس دویست آیه در غیر نماز شب بخواند، در روز قیامت قرآن با وی محاجه نکند، و هر کس در پانصد آیه در نمازهای شبانه روز بخواند، خداوند متعال در لوح محفوظ برای وی قنطاری از نیکی‌ها برایش می‌نویسد و هر قنطاری هزار و دوست اوقیه است. و اوقیه از کوه احد بزرگتر است. (کلینی، ۱۳۶۵ هـ.ش: ۲/۶۲۲)

تأکید بر تلاوت صد آیه

برید بن معاویه از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: صاعقه‌ها هیچ گاه به شخص ذاکر آسیب نمی‌رسانند. راوی عرض می‌دارد: منظور از ذاکر کیست؟ امام فرمود: کسی که صد آیه تلاوت کند. (کلینی، ۱۳۶۵ هـ.ش: ۲/۵۰۰)

این روایت در کتاب «ثواب الاعمال» چنین آمده است: هر که شب در نمازش (نماز شب) صد آیه تلاوت کند، خداوند متعال عبادت تمام شب را برای وی ثبت می‌کند و هر کس دویست آیه در غیر نماز شب بخواند، خداوند برای وی قنطاری از نیکی‌ها برایش می‌نویسد و هر قنطاری هزار و دوست اوقیه است. و اوقیه از کوه احد بزرگتر است. (صدوق، ۱۴۰۶ هـ.ق: ۱۰۱)

شیخ صدوق رحمه الله علیه روایتی را به صورت مرفوع از امیر المؤمنین علیه السلام نقل می کند که هر کس صد آیه قرآن از جا که خواست بخواند و پس از آن هفت مرتبه «یا الله» بگوید، (خداوند دعایش را برآورده می سازد تا جاییکه) اگر بر صخره ای دعا کند، آن را به خواست خدا از جای ببرد. (صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۰۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۳)

در روایتی قریب به این مضمون از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: هنگامی که از چیزی دچار ترس و وحشت شدی، از هر جای قرآن که خواستی صد آیه بخوان و پس آن سه مرتبه بگو «اللهم اکشف عنی البلاء» خداوند بلا را از برطرف فرما. (کلینی، ۱۳۶۵ش: ۶۲۱/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق: ۱۷۵۹/۹؛ حر عاملی، ۱۳۶۷ش: ۴۶۸/۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۳)

دیدگاه مقام معظم رهبری

از مجموعه روایات فوق چنین برمی آید که هر فرد مسلمان هرگز نباید تلاوت قرآن را رها کند، بلکه باید همواره با توجه به شرائط، زمان و فرصتی که دارد، به خواندن قرآن مبادرت کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از دانشجویان نسبت به تلاوت روزانه قرآن کریم این چنین تاکید کردند:

«حتماً تلاوت قرآن را روزانه فراموش نکنید -ولو یک صفحه، ولو نیم صفحه- قرآن را هر روز بخوانید، با قرآن ارتباطتان را برقرار کنید.» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۲ تیرماه ۱۳۹۵ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۶۹۴>)

در دیدار مشابهی فرمودند:

البته خیلی خیلی خوب است با قرآن مأنوس باشید، هر روز حتماً ولو چند آیه ای قرآن بخوانید؛ اینها خیلی خوب است. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۲۰ تیرماه ۱۳۹۴ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30255>)

در یکی دیگر از دیدارهایشان نسبت به خواندن هر روز قرآن این گونه تاکید فرمودند:

«باید هر روز قرآن بخوانید و سعی کنید با آن مأنوس شوید و آن را بیاموزید و دریابید. مهم، قطع رابطه نکردن با قرآن است؛ حال نیم صفحه و یک ورق بخوانید یا یک حزب و یک جزء. رابطه نباید قطع شود. به هر حال، همه، هر چه وقت، همت و حوصله دارند، باید قرآن بخوانند.

بعضی فقط در ماه رمضان قرآن می خوانند؛ این خطاست. هر روز باید قرآن بخوانید. بعد از نماز صبح یا آخر شب که می خواهید بخوانید و یا وسط روز، خواندن مقداری از قرآن لازم است. البته خواندن قرآن به تنهایی کافی نیست؛ باید معنای آن را هم بفهمید. هر کس که می تواند بفهمد، چه بهتر،



اما کسی که نمی‌فهمد، باید از ترجمه‌های قرآن استفاده کند و هر آیه‌ای را که می‌خواند به ترجمه‌ی آن نیز بنگرد. اخیراً هم به لطف خدا ترجمه‌های متعددی درآمده است که از ترجمه‌های قبلی بهتر است. در دوره‌ی انقلاب، ظاهراً چهار پنج شش و یا شاید بیشتر ترجمه‌ی جدید چاپ شده است که نسبتاً خوبند. پرداختن به معنای قرآن در کنار الفاظ آن، انس با قرآن را بیشتر می‌کند. به ویژه کسی که قرآن را حفظ باشد، این کار برای او بسیار آسان‌تر است. وقتی از این طریق معنای قرآن را فهمیدید، می‌توانید تدبّر کنید و روی کلمات قرآن بیندیشید و با همین فکر، یک دنیا معرفت نصیبتان می‌شود. اگر در همین زندگی دنیا با قرآن مأنوس و محشور باشید، در قیامت هم با قرآن محشور خواهید شد. ببینید این معامله چه عظمتی دارد.» (سخنرانی در دیدار فرزندان شهید حافظ قرآن؛ ۱۴ تیر ماه ۱۳۷۴؛

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۱۹۳۹۸>)

معظم له در پاسخ به نامه یکی از نوجوانان به وی و تمام نوجوانان توصیه کردند «هر روز قرآن بخوانید و اگر بتوانید آن را حفظ کنید» (پاسخ به نامه‌ی یک نوجوان؛ ۴ تیرماه ۱۳۷۵؛

(<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=۴۷۹۵>)

مقام معظم رهبری در دیدارهای متعددی که با رؤساء جمهور و هیئت‌های وزیران در ادوار گوناگون داشتند، نیز همواره به تلاوت قرآن تأکید کردند. این امر اهمیت ارتباط با قرآن و خواندن آن برای دولت مردان را می‌رساند. در یکی از این دیدارها فرمودند:

«باید خود را به خدا وصل کنید. قرآن خواندن هر روز را فراموش نکنید. هر روز حتماً قرآن بخوانید؛ هر مقداری می‌توانید. آنهایی که ترجمه‌ی قرآن را می‌فهمند، با تدبیر به ترجمه نگاه کنند. آنهایی که ترجمه‌ی قرآن را نمی‌فهمند، یک قرآن مترجم خوب - که الحمدلله زیاد هم داریم - کنار دستشان بگذارند و به ترجمه‌ی آن نگاه کنند. ممکن است ده دقیقه صرف وقت کنید و یک صفحه یا دو صفحه بخوانید؛ اما هر روز بخوانید؛ این را یک سیره‌ی قطعی برای خودتان قرار دهید. علامت بگذارید، فردا از دنباله‌اش بخوانید.» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ ۸ شهریور ۱۳۸۴؛

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۰۴>)

یکی از مهمترین برنامه‌های قرآنی مقام معظم رهبری برنامه دیدار سالانه اهالی قرآن با معظم له در اولین روز ماه مبارک رمضان است. دیداری که همه ساله جمعی از نخبگان قرآنی کشور به دیدار ایشان رفته و ضمن برگزاری یک جلسه قرآنی و معنوی بیانات هدایتگرانه رهبری را می‌شنوند. در یکی از این دیدارها ایشان فرمودند:

«شما هر روز حتماً قرآن بخوانید. حالا نمیگویم روزی مثلاً فرض کنید نیم جزء یا یک حزب بخوانید؛ [حتی] روزی نیم صفحه، روزی یک صفحه بخوانید، اما ترک نشود. در طول سال روزی نباشد که شما قرآن را باز نکنید و قرآن را تلاوت نکنید.» (بیانات در محفل انس با قرآن کریم؛ ۳ فروردین ماه ۱۴۰۲: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۲۲۹۹>)

«شما هر روز حتماً قرآن بخوانید. حالا نمیگویم روزی مثلاً فرض کنید نیم جزء یا یک حزب بخوانید؛ [حتی] روزی نیم صفحه، روزی یک صفحه بخوانید، اما ترک نشود. در طول سال روزی نباشد که شما قرآن را باز نکنید و قرآن را تلاوت نکنید.»

مدت ختم قرآن

در کتاب گرانسنگ اصول کافی بابی با عنوان «بَابُ فِي كَمْ يُقْرَأُ الْقُرْآنُ وَ يُخْتَمُ» وجود دارد که پنج روایت در آن وجود دارد. روایت اول از امام صادق (ع) است که ایشان به محمد بن عبد الله فرمودند من خوش ندارم تو قرآن را در مدت کمتر از یک ماه بخوانی! (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵: ۶۱۷/۲)

در روایت دوم ابو بصیر از امام صادق (ع) می پرسد: آیا در ماه مبارک رمضان من در یک شب قرآن را بخوانم؟ امام اجازه ندادند؛ بار دوم نسبت به دو شب سوال می کند، باز حضرت اجازه ندادند، هنگامی که از سه شب سوال شد، حضرت اجازه فرمودند. سپس نکاتی در عظمت ماه رمضان و نکاتی از سیره اصحاب نبی مکرم (ص) در زمینه خواندن قرآن بیان فرمودند. (پیشین) آخرین روایت این باب نیز شبیه به همین روایت است، با این تفاوت که در این روایت مدت خواندن قرآن در غیر ماه رمضان شش شب و در ماه مبارک رمضان سه شب بیان شده است. (پیشین)

با توجه به الفاظ حدیث و راوی حدیث این احتمال وجود دارد هر دو حدیث یکی باشند، که حدیث پنجم کامل تر نقل شده است.

راوی حدیث سوم حسین بن خالد است. وی هنگامی که از مدت زمان ختم قرآن از امام صادق (ع) می پرسد امام خواندن قرآن در مدت پنج روز یا هفت روز را اجازه می فرمایند. ذیل حدیث ظهور در این دارد که خود آنحضرت در مدت چهارده روز قرآن را می خواندند. (پیشین، ۶۱۸)

حدیث چهارم دلالت دارد بر این که برخی از اصحاب ائمه (ع) در ماه مبارک رمضان چهل ختم قرآن انجام می دادند، و اهل بیت (ع) نه تنها آن را نکوهش نکردند، بلکه ستودند. (پیشین؛ نیز ر.ک: مفید، المقتعه، ۱۴۱۳: ۳۱۲)

ابو حمزه از امام باقر (ع) روایت می کند: هر کس از جمعه‌ای تا جمعه در شهر مکه قرآن را ختم کند، یا در کمتر از این مدت، یا بیشتر از این مدت، و ختمش را در روز جمعه انجام دهد، خداوند به وی به



میزان اولین جمعه‌ای که وجود داشته تا آخرین جمعه‌ای که وجود خواهد داشت، اجر و ثواب عطا کند و اگر ختم قرآن در روز دیگری ختم کند، نیز همین گونه است. (حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۸۸)

در منابع حدیثی اهل سنت نیز چندین روایت در باب مدت ختم قرآن دیده می‌شود. بیشتر این روایات توسط عبد الله بن عمرو از پیامبر ﷺ نقل شده است.

بیهقی به اسناد خود روایتی نقل می‌کند که در آن اسحاق بن ابی برده از عبد الله بن عمرو نقل می‌کند که وی از رسول گرامی اسلام ﷺ در مورد مدت زمان ختم قرآن سوال می‌کند. آن حضرت در پاسخ وی می‌فرماید: در هر ماه قرآن را ختم کن. وی باز می‌پرسد: توانایی من بیش از این است. در جواب می‌فرماید: در مدت بیست روز آن را ختم کن. عبد الله دوباره توانایی بیشتر خود را یادآوری می‌کند. آن حضرت می‌فرماید: در مدت پانزده روز آن را به اتمام برسان. این سوال و جواب چندین دفعه تکرار می‌شود و در نتیجه پیامبر اسلام ﷺ به ترتیب ده روز و پنج روز را مدت زمان ختم قرآن بیان می‌فرماید. بعد از بیان پنج روز هنگامی که عبد الله بن عمرو توانایی خود را در به اتمام رساندن تلاوت قرآن در کمتر این از این مدت را اظهار می‌دارد، پیامبر اجازه آن را به وی نمی‌دهند. (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۴/۲)

این روایت را ترمذی نیز نقل کرده است و آن را حدیث «حسن صحیح و غریب» معرفی می‌کند. علت غرابت آن را نقل اسحاق از عبد الله بن عمرو برمی‌شمارد. (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴۰/۵)

نسائی نیز این حدیث را در سنن الکبری نیز آورده است. (نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱ق: ۲۵/۵)

همچنین این روایت با اختلاف در کلمات آن در سنن دارمی نیز دیده می‌شود. (دارمی، سنن دارمی، ۱۴۲۱ق: ۲۱۸۴/۴)

محقق کتاب اسناد حدیث را «ضعیف» اما حدیث را «متفق علیه» ذکر کرده است. (پیشین) در برخی از روایات همسو مدت ختم از چهل روز آغاز شده و تا هفت روز، یا پنج روز تقلیل یافته است. (ر.ک: بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۱۰ق: ۱۲۲/۸؛ نیشابوری، صحیح مسلم، ۱۴۱۲ق: ۸۱۴/۲؛ ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴۱/۵؛ نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱ق: ۲۴/۵-۲۵؛ بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۳/۲)

نسائی روایتی قریب به این مضمون نقل کرده است، با این تفاوت که ناقل حدیث یحیی بن حکیم است وی از عبد الله بن عمرو این حدیث را با تفاوت در تعبیر نقل می‌کند. مضمون حدیث حاکی از این است که رسول خدا ﷺ به ترتیب اجازه ختم قرآن را در مدت سی روز، بیست روز، ده روز و در نهایت هفت روز به عبد الله داده اند. (نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱ق: ۲۴/۵)

روایت دیگری از عبد الله بن عمرو نقل شده است که پیامبر ﷺ به من امر فرمودند که قرآن را در کمتر از سه روز ختم نکنم. (دارمی، سنن دارمی، ۱۴۲۱ق: ۲۱۸۵/۴؛ نسائی، السنن الکبری، ۱۴۱۱ق: ۲۵/۵؛ بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۳/۲)

نسائی بلافاصله بعد از ذکر این روایت، حدیثی نقل می کند که عبد الله از پیامبر ﷺ نقل می کند: هر کس در مدتی کمتر از سه روز قرآن را بخواند، آن را نفهمیده است. (نسائی، پیشین؛ نیز ر.ک: ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴۲/۵) مضمون این دو روایت به قدری به هم مرتبط است که اگر سلسله سند این دو روایت متفاوت نبود، ممکن بود خواننده کتاب نسائی حدیث دوم را ادامه حدیث قبل تصور کند. بیهقی نقل می کند: رسول خدا ﷺ از عبد الله بن عمرو پرسید در چه مدتی قرآن را می خوانی؟ (ختم می کنی؟) عبد الله عرض کرد، هر شب! رسول خدا ﷺ فرمود چنین کاری انجام نده، بلکه در مدت سه شبانه روز آن را بخوان. (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۵/۲)

عبد الرزاق روایتی نقل می کند که رسول گرامی اسلام ﷺ در ماه مبارک رمضان در هر سه شب یک ختم قرآن را انجام می دادند ولی هنگامی که دهه (آخر) می رسید، هر دو شب یک قرآن را ختم می کرد. (صنعانی، المصنف، ۱۴۰۳ق: ۲۵۴/۴)

هر چند در این روایت «دخلت العشر» آمده که ممکن است در ظاهر به دهم ماه مبارک اشاره باشد، اما به قرینه روایات قبل در همین کتاب و مجموعه خانواده حدیثی که حاکی از اهتمام ویژه آن حضرت به دهه آخر این ماه با عظمت است، به نظر می رسد مراد از آن همان دهه آخر باشد. در نقلهای مربوط به اصحاب بزرگوار رسول الله ﷺ نیز گزارش هایی متعددی در زمینه اهتمام آنان نسبت به ختم مداوم قرآن نقل شده است.

در مورد ابی ابن کعب نقل است که وی در هر هشت روز و تمیم داری در هر هفت روز قرآن را ختم می کردند. (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۶/۲)

در مورد عبد الله بن مسعود نیز آمده است که وی هر سه شب قرآن را می خواند و برای این کار جز اندکی از روز بهره نمی برد. (بیشتر قرآن را در شب می خواند.) (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۵/۲) در نقل دیگری از عبد الرحمن فرزند عبد الله بن مسعود نقل شده که پدرش در ماه مبارک رمضان هر سه شب ختم قرآن انجام می داده است و در غیر ماه مبارک رمضان از جمعه تا جمعه بعدی (در مدت یک هفته) ختم را انجام می داد. (فریابی، فضائل القرآن، ۱۴۰۹ق: ۲۱۸)

سعید بن جبیر از تابعان جلیل القدر نیز از افرادی می باشد که درباره وی نقل شده است که او تمام قرآن را در مدت دو شب به اتمام می رساند. (دارمی، سنن دارمی، ۱۴۲۱ق: ۲۱۸۴/۴) یا نقل شده سعد بن ابراهیم کل قرآن را در یک شبانه روز می خوانده است. (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۸/۲) همچنین در مورد سعید بن جبیر و عثمان بن عفان روایات جداگانه نقل شده است که هر کدام قرآن را در یک رکعت انجام می خواندند! (ترمذی، سنن ترمذی، ۱۴۱۹ق، ۴۱/۵) روایاتی شبیه این درباره دیگر افراد گزارش شده است. (ر.ک: بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۹/۲)



نخستین نتیجه‌ای که از این احادیث به دست می‌آید این است که ختم قرآن یعنی خواندن قرآن از ابتدا تا آخر، موضوعیت دارد. این امر از احادیث «حال مرتحل» که در منابع حدیثی فریقین وجود دارد، قابل اثبات است. بنابر این نباید تنها به خواندن برخی از سور منتخب اکتفا کرد.

همچنین از مجموعه این روایات چنین برمی‌آید که نباید قرآن را در کمتر از سه روز ختم کرد. البته میان ماه مبارک رمضان و سایر ایام در این امر تفاوت است. البته افراد مختلف از لحاظ توانایی، استعداد، زمینه، اشتغالات و فرصت‌ها و توان تدبیر قطعاً در یک سطح قرار ندارند، و شاید همین امر کلید حل تفاوت در مقادیر ذکر شده در این روایات است. به عنوان مثال روایت اول که در آن امام صادق (علیه السلام) به محمد بن عبد الله فرمودند: خوش ندارم قرآن را در مدت کمتر از یک ماه بخوانی، ممکن است مربوط و مختص فرد خاص و شخص راوی باشد، زیرا تعبیر آن تقرأه آمده است، نه صیغه مجهول. یعنی اگر امام این گونه می‌فرمودند که خوش ندارم قرآن در مدتی کمتر از یک ماه خوانده شود، شمولیت می‌داشت. یکی دیگر از نکاتی که باید در نظر داشت علاوه بر زمانهای خاص مانند ماه مبارک رمضان، توجه به مکانهای ویژه است. به عنوان مثال روایتی که ابوحزمه از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند دلالت بر اهمیت ختم قرآن در شهر مکه است. زیرا مکه نخستین سرزمین وحی بوده که بیشترین آیات قرآن در همین شهر شریف بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شده است.

اما در مورد احادیث منابع اهل سنت، نقل بیشتر این احادیث از عبد الله بن عمرو نکته شگفتی است. در برخی از این احادیث مدت ختم از چهل روز شروع شده و در برخی از این روایات از سی روز، در مورد کمترین زمان ختم نیز، هفت روز، پنج روز و سه روز نقل شده است، شاید ناظر به شرائط مختلف زمانی و مکانی و افرادی باشد. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که خواندن قرآن در کمتر از سه روز مناسب زیرا علت آن نیز همانگونه که در خود روایات تصریح شده است، خواندن در کمتر از سه روز فرصت تدبیر را از انسان می‌گیرد.

اما آنچه مربوط به برخی از صحابه و تابعان است که قرآن را در یک روز یا رکعت می‌خواندند، عجیب می‌نماید. البته دو نقلی که درباره سعید بن جبیر و عثمان بن عفان نقل شده است، اولاً: از معصوم نقل نشده است. ثانیاً: تاییدی هم از معصوم نسبت به این امر ذکر نشده است، ثالثاً: در هر دو روایت تصریح به ختم یا کل قرآن نشده است، و تنها قرائت قرآن در یک رکعت ذکر شده است. رابعاً: اصل این امر کمی عجیب و دور از واقعیت می‌نماید.

در مورد عثمان و خواندن قرآن در یک رکعت نیز ظاهراً مسئله به نوعی مسابقه سرعت در قرائت قرآن بوده است. به قرینه روایتی که بیهقی نقل می‌کند که عبد الرحمن بن عثمان می‌گوید: شبی من پشت مقام (ابراهیم)

ایستاده بودم و می خواستم در آن شب کسی بر من غلبه نکند، ناگهان مردی (با گوشه چشم) به من اشاره کرد، من توجهی نکردم، سپس بار دیگر چشمکی زد، وقتی متوجه شدم دیدم عثمان بن عفان است، پس از او دور شدم، پس او جلو آمد و قرآن را در یک رکعت تلاوت کرد! (بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۹۸/۲)

خواندن قرآن با ترتیل و نهی از دغدغه به پایان رساندن سوره

روایات متعددی وجود دارد حاکی از اهمیت «ترتیل» است. در این گونه روایات از خواندن قرآن با شتاب و عجله و بدون توجه به معانی آیات نهی شده است. شیخ کلینی روایتی را نقل می کنند که در آن راوی از وجود مبارک امام صادق (علیه السلام) درباره معنای «و رتل القرآن ترتیلاً» سوال می کند. آن حضرت در جواب، مرفرمایش حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) را بیان می فرماید: یعنی آن را به خوبی بیان کن و بسان شعر آن را با شتاب نخوان، و همانند ریگ (حروف) آن را پراکنده نساز، بلکه دلهای سختتان را به وسیله آن بهراسانید، و تمام همت شما این نباشد که سوره را به اتمام برسانید (یعنی هدف شما خواندن همراه با تدبیر و تأمل در معانی و مفاهیم آن باشد، نه اینکه به هر صورتی که شده، سوره را به آخر برسانید) (کلینی، الکافی، ۱۳۶۵ش: ۶۱۴/۲)

حدیث دیگری را امیر المؤمنین (علیه السلام) در تبیین معنای ترتیل از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) نقل می فرماید: ترتیل عبارت است از اینکه (کلمات) قرآن را (با ادای صحیح) به درستی تثبیت کنی، به مانند ریگهای بیابان آن را پراکنده سازی و نه مانند شعر آن را با سرعت بخوانی، نزد شگفتیهای آن درنگ کنی و دلها را به وسیله آن به جنبش در آوری و همت کسی از شما (صرفاً) به پایان رساندن سوره نباشد. (حمیری، قرب الاسناد، بی تا: ۱۸۰؛ نیز ر.ک: مغربی، دعائم الاسلام، ۱۳۸۳ق: ۱۶۱/۱) قریب به این مضمون حتی بعضاً عین این کلمات در مصادر حدیثی اهل سنت نیز قابل دید است. (ر.ک: بیهقی، شعب الایمان، ۱۴۲۱ق: ۳۶۰/۲؛ همو، السنن الکبری، ۱۴۲۴ق: ۲۰/۳؛ انصاری، الآثار، بی تا: ۴۶)

این روایات نیز خانواده حدیثی مجموعه قبل را کامل می کند. این که مقدار تلاوت روزانه قرآن چقدر باشد، بستگی به نحوه خواندن نیز دارد، زیرا کسی که در صدد بیشتر خواندن قرآن است، طبیعتاً باید با سرعت بیشتری قرآن بخواند و دائماً به این فکرمی کند که سوره ای را به اتمام برساند و به سوره بعدی برسد و به همین منوال سوره ها خوانده و قرآن را تمام کند. این امر ممکن است به کمیت گرایی انجامیده و کیفیت خواندن قرآن را بی ثمر سازد. امری که در روایات نقل شده از پیشوایان دینی مورد تاکید است، کیفیت خواندن قرآن مقدم بر کمیت است. منظور از کیفیت خواندن صحیح قرآن، با رعایت اداء بایسته حروف و کلمات و در نظر گرفتن مواضع وقف و ابتدا و از همه مهمتر تلاش برای فهم و تدبیر در معانی قرآن می باشد. این امر نباید مورد غفلت قرار گیرد که انس با قرآن و خواندن آن به منزله مقدمه برای فهم و عمل به این کتاب آسمانی است و این گونه است که هدایت فردی و اجتماعی قرآن محقق می شود.



دیدگاه مقام معظم رهبری

رهبر معظم انقلاب بارها بر اهمیت فهم قرآن در کنار خواندن آن تأکید فرمودند. در دیدار با اعضای دولت وقت می‌فرمایند:

«دوستان سعی کنند در همه‌ی اوقات - بخصوص در ماه رمضان - تلاوت قرآن را از یاد نبرند. قرآن نباید از زندگیتان حذف شود. تلاوت قرآن را حتماً داشته باشید؛ هر چه ممکن است. تلاوت قرآن هم با تأمل و تدبر اثر می‌بخشد. تلاوت عجله‌یی که همین‌طور انسان بخواند و برود و معانی را هم نفهمد یا درست نفهمد، مطلوب از تلاوت قرآن نیست؛ نه این‌که بی‌فایده باشد - بالاخره انسان همین‌که توجه دارد این کلام خداست، نفس این یک تعلق و یک رشته‌ی ارتباطی است و خود همین هم مغتنم است و نباید کسی را از این‌طور قرآن خواندن منع کرد لیکن تلاوت قرآنی که مطلوب و مرغوب و مأموریه است، نیست. تلاوت قرآنی مطلوب است که انسان با تدبر بخواند و کلمات الهی را بفهمد، که به نظر ما میشود فهمید. اگر انسان لغت عربی را بلد باشد و آنچه را هم که بلد نیست، به ترجمه مراجعه کند و در همان تدبر کند؛ دو بار، سه بار، پنج بار که بخواند، انسان فهم و انشراح ذهنی نسبت به مضمون آیه پیدا میکند که با بیان دیگری حاصل نمیشود؛ بیشتر با تدبر حاصل میشود؛ این را تجربه کنید. لذا انسان بار اول وقتی مثلاً ده آیه‌ی مرتبط به هم را می‌خواند، یک احساس و یک انتباه دارد؛ بار دوم، پنجم، دهم که همین را با توجه می‌خواند، انتباه دیگری دارد؛ یعنی انسان انشراح ذهن پیدا میکند. هرچه انسان بیشتر انس و غور پیدا کند، بیشتر می‌فهمد؛ و ما به این احتیاج داریم.» (بیانات در دیدار اعضای هیأت

دولت؛ ۱۷ مهر ماه ۱۳۸۴؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۳۱۳>)

ایشان در سخنرانی دیگری چنین می‌فرمایند:

اشکال سوم این است که ما در ماه مبارک رمضان که ماه تلاوت قرآن و ماه نزول قرآن و ماه جلسات است و ما هم که این جلسه را داریم و جلسات فراوانی هم در مساجد و محافل گوناگون است، ماه رمضان که تمام شد، قرآن را ببندیم و ببوسیم و بگذاریم کنار. این نباید اتفاق بیفتد. قرآن را بایستی از خودمان جدا نکنیم. دائم باید با قرآن مرتبط و مانوس باشیم. حالا در روایات دارد که هر روز لااقل پنجاه آیه‌ی قرآن بخوانید. این، یکی از معیارهاست. اگر نتوانستید، روزی ده آیه‌ی قرآن بخوانید؛ نگوئید سوره‌ی حمد را می‌خوانم و این چند آیه‌ی سوره‌ی حمد با چند آیه‌ی سوره‌ی قل هوالله - یک رکعت - میشود همان ده آیه‌ای که فلانی میگوید. نه، غیر از آن قرآنی که در نماز می‌خوانید - چه نماز نافله، چه نماز فریضه - قرآن را باز کنید، بنشینید، با حضور قلب، ده آیه، بیست آیه، پنجاه آیه، صد آیه بخوانید. قرآن را برای تدبر کردن و فهمیدن و استفاده کردن بخوانید. یک نوع قرآن خواندن این است

که انسان ظاهر قرآن را بگیرد بخواند تا آخر. این نوع، نمی‌خواهیم بگوئیم هیچ اثری ندارد. البته بنده سابقها میگفتم هیچ اثر ندارد، بعد تجدید نظر کردم. نمیشود گفت هیچ اثر ندارد، ولی اثرش در قبال آن اثری که متوقع از تلاوت قرآن است، شبیه هیچ است؛ نزدیک هیچ است.

یک تلاوت، تلاوت کسانی است که آیه را میخوانند، لیکن - این مال امثال ماهاست - میخوانند برای اینکه یک نکته‌ای پیدا کنند برای گفتن در فلان منبر، در فلان سخنرانی، در فلان محفل، در فلان مجلس. این، عیبی ندارد؛ اما این نوع هم آن نیست که ما موظفیم انجام بدهیم.

یک تلاوت این است که انسان مثل یک مستمعی بنشیند پای صحبت خدای متعال. خدای متعال دارد با شما حرف میزند. مثل اینکه از یک عزیزی، از یک بزرگی، نامه‌ای به شما رسیده باشد. شما نامه را میگیرید میخوانید. برای چه میخوانید؟ برای اینکه ببینید چه برای شما نوشته. قرآن را اینجوری بخوانید. این نامه‌ی خدای متعال است. امین‌ترین زبانها و دلها این قرآن را از خدای متعال گرفته و به شما رسانده است. ما از آن استفاده کنیم؛ بهره ببریم؛ لذا در روایت هست که سوره را وقتی که میخوانید، همت شما این نباشد که به آخر سوره برسید، همت شما این باشد که قرآن را بفهمید؛ ولو حالا به آخر سوره، به وسط سوره، وسط جزء، به وسط حزب نرسید و آن را تمام هم نکنید؛ تأمل و تدبر کنید. قرآن را اینگونه بخوانید. اگر کسی با قرآن مأنوس بشود، از قرآن دل نمیکند. اگر ما با قرآن مأنوس بشویم، حقیقتاً از قرآن دل نمیکنیم. (بیانات در دیدار قاریان؛ ۲۲ شهریور ماه ۱۳۸۶؛

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۰۰>)

از این بیان به خوبی می‌توان فهمید، اولاً خواندن قرآن را محدود به ماه مبارک رمضان نیست. ثانیاً خواندن قرآن باید همراه با فهم و توجه به معانی و پیامهای زندگی ساز این کتاب آسمانی شود. و ثالثاً نیت اصلی خواننده قرآن صرفاً به انتها رساندن سوره یا جزء نباشد، به عبارتی کیفیت تلاوت مهمتر از کمیت آن است. با دقت در بیانات مقام معظم رهبری این حقیقت آشکار می‌شود که این سخنان ریشه در منابع اسلامی و پشتوانه روایی دارد.



نمودار کمیت تلاوت و عوامل مرتبط با آن



نتیجه‌گیری

۱. لازم است هر مؤمنی تلاوت روزانه قرآن داشته باشد و برنامه منظمی برای آن داشته باشد، روزی نگذرد مگر این که تعدادی از آیات قرآن را تلاوت کرده باشد.
۲. فضیلت تلاوت قرآن در نماز بیش از تلاوت در غیر نماز است.
۳. بهتر است علاوه بر سور و آیات منتخب که فضیلت خاصی داشته و به صورت ویژه خوانده‌می‌شوند، مسلمانان برنامه تلاوت کامل و ختم قرآن داشته باشند.
۴. قرائت قرآن در برخی از زمانها از جمله ماه مبارک رمضان فضیلت بیشتری دارد.
۵. خواندن قرآن در مکانهای خاصی به ویژه شهر مکه مکرمه اهمیت دو چندانی دارد.
۶. بهتر است مسلمانان در حد توانشان قرائت روزانه قرآن هر چه بیشتر داشته باشند، کمترین میزان پنجاه آیه است و تا هزار آیه در روایات آمده است.
۷. آنچه مهمتر از کمیت و مقدار تلاوت است، کیفیت تلاوت است، که بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) با شیوه ترتیل باشد. یعنی تلاوت با رعایت تمام نکات مربوط به آداء درست و شایسته کلمات قرآن باشد، و ضمن در نظر داشتن موارد وقف و ابتدا به محتوا و معانی قرآن نیز توجه شود.
۸. سرعت تلاوت نباید بسیار زیاد باشد که مانند خواندن اشعار دوران جاهلیت باشد، و نباید بسیار کند باشد که حروف از هم دیگر پراکنده شود. بنابر این سرعت متوسط و مناسب انتخاب شود.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در زمینه میزان و مقدار تلاوت قرآن به طور دقیقی با بهره جستن از روایات اسلامی و مطابق با آن بیان شده است، که نشانگر ریشه دار بودن اندیشه‌های این فقیه و مفسر در آموزه‌های اصیل اسلامی دارد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ه.ق.
۲. ابن ابی شیبہ، عبد الله بن محمد، المصنف، بیروت: دار التاج، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳. ابن منظور، ابو الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع- دار صادر، ۱۴۱۴ ه.ق، چاپ سوم.
۴. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت- دمشق: دار العلم- الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق.
۵. انصاری، قاضی ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم، الآثار، بیروت: بی تا.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح (صحیح بخاری)، قاهره: وزارة الاوقاف. المجلس الاعلی للشنون الاسلامیة. لجنة إحياء كتب السنة، ۱۴۱۰ ق.
۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، شعب الایمان، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ ق.
۸. —، السنن الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، قاهره: دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. حرّ عاملی، شیخ محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، اسلامیة، ۱۳۶۷ ش، چاپ ششم.
۱۲. حلی، احمد بن محمد بن فهد، عدة الداعی و نجاة الساعی، بی جا، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۳. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران: مکتبة النینوی الحدیثة، بی تا.
۱۴. دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن، سنن دارمی، ریاض: مرکز التراث الثقافی المغربی، ۱۴۲۱ ق.
۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. —، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. رازی، ابو الحسن احمد بن فارس، معجم مقانیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، مطبعة حیدریه، بی تا.
۱۹. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش، چاپ ششم.
۲۰. —، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دار الشریف الرضی، ۱۴۰۶ ق، چاپ دوم.



۲۱. _____، فضائل الأشهر الثلاثة، قم: مكتبة داورى، ۱۳۹۶ق.
۲۲. _____ معانى الأخبار، قم، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۰۳ق.
۲۳. صنعانى حميرى، ابو بكر عبد الرزاق بن همام، المصنف، محقق: حبيب الرحمن اعظمى، بيروت: المجلس العلمى، ۱۴۰۳ق.
۲۴. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۵. طبرانى، سليمان بن احمد، مسند الشاميين، بيروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۹هـ.ق.
۲۶. _____، المعجم الكبير، قاهرة: مكتبة ابن تيمية، بى تا.
۲۷. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، قم، منشورات شريف رضى، ۱۴۱۲ق، چاپ چهارم.
۲۸. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان فى تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. طوسى، محمد بن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، بيروت، دار احياء التراث العربى، بى تا.
۳۰. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق، چاپ دوم.
۳۱. فريابى، جعفر بن محمد، فضائل القرآن، رياض: مكتبة الرشد-ناشرون، ۱۴۰۹ق.
۳۲. فيض كاشانى، محمد بن مرتضى، الوافى، اصفهان، كتابخانه امام أمير المؤمنين على عليه السلام، ۱۴۰۶ق.
۳۳. كفعمى عاملى، ابراهيم بن على، المصباح جنة الامان الواقية، قم، دار الرضى زاهدى، ۱۴۰۵ق، چاپ دوم.
۳۴. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۵، چاپ چهارم.
۳۵. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، چاپ دوم.
۳۶. معين، محمد، فرهنگ فارسى معين، تهران، امير كبير، ۱۳۷۱ش.
۳۷. مغربى، قاضى ابوحنيفه نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۳۸۳ق، چاپ دوم.
۳۸. (شيخ) مفيد، محمد بن محمد، المقنعه، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد (ره)، ۱۴۱۳ق.
۳۹. نسائى، احمد بن على، السنن الكبرى، بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۱ق.
۴۰. نورى، محدث ميرزا حسين، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸.
۴۱. نيشابورى، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۲ق.
۴۲. www.Khamenei.ir

References

1. Ansari, Qadi Abu Yusuf Yaqub bin Ibrahim, *Al-Athar (The Relics)*, Beirut: n.d.
2. Bayhaqi, Abu Bakr Ahmad bin Hossein, *Al-Sunan al-Kubra (The Great Sunnah)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1424 AH (2003 CE).
3. Bayhaqi, Abu Bakr Ahmad bin Hossein, *Shu'ab al-Iman (Branches of Faith)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1421 AH (2000 CE).
4. Bukhari, Mohammad bin Ismail, *Al-Jami' al-Sahih (Sahih Bukhari)*, Cairo: Ministry of Awqaf, Supreme Council for Islamic Affairs, Committee for Reviving the Books of Sunnah, 1410 AH (1989 CE).
5. Darimi, Abdullah bin Abdul Rahman, *Sunan al-Darimi (Darimi's Sunan)*, Riyadh: Cultural Heritage Center of Morocco, 1421 AH (2000 CE).
6. Daylami, Hasan bin Mohammad, *A'lam al-Din fi Sifat al-Mu'minin (The Knowledge of Religion Regarding the Attributes of Believers)*, Qom: Ahlul Bayt Institute, 1408 AH (1990 CE).
7. Daylami, Hasan bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila al-Sawab (Guidance of Hearts to the Right Path)*, Qom: Sharif Razi, 1412 AH (1992 CE).
8. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Al-Ayn*, Qom: Nashr Hijrat, 1410 AH (2009 CE), 2nd Edition.
9. Faryabi, Ja'far bin Mohammad, *Fada'il al-Quran (The Virtues of the Quran)*, Riyadh: Maktabah al-Rushd - Publishers, 1409 AH (1988 CE).
10. Fayz Kashani, Mohammad bin Murtada, *Al-Wafi (The Comprehensive)*, Isfahan: Library of Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS), 1406 AH (1987 CE).
11. Hilli, Ahmad bin Mohammad bin Fahd, *Iddat al-Da'i wa Najat al-Sa'i (The Caller's Provisions and the Striver's Salvation)*, N.p.: Dar al-Kitab al-Islami, 1410 AH (1988 CE).
12. Himyari, Abdullah bin Ja'far, *Qurb al-Asnad (Proximity of the Chains)*, Tehran: Maktabah al-Ninawi al-Hadithah, n.d.
13. Hurr Amili, Sheikh Mohammad bin al-Hasan, *Tafsil Wasail al-Shi'ah ila Tahsil Masail al-Shari'ah (Detailed Means of Shi'ah to Acquire Jurisprudential Issues)*, Tehran: Islamiyah, 1367 SH (1988 CE), 6th Edition.
14. Ibn Abi Jumhur, Mohammad bin Zain al-Din, *Awali al-Li'ali al-Aziziyah fi al-Ahadith al-Diniyah (The Precious Gems in Religious Narrations)*, Qom: Dar Sayyid al-Shuhada for Publishing, 1405 AH (1986 CE).
15. Ibn Abi Shaybah, Abdullah bin Mohammad, *Al-Musannaf*, Beirut: Dar al-Taj, 1409 AH (1988 CE).
16. Ibn Manzur, Abu al-Fadl Jamal al-Din Mohammad bin Makram, *Lisan al-Arab (The Language of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Fikr for Printing, Publishing, and Distribution - Dar Sader, 1414 AH (1994 CE), 3rd Edition.



17. Isfahani, Hossein bin Mohammad Raghīb, *Mufradat Alfaz al-Quran (Lexicon of Quranic Terms)*, Edited by Safwan Adnan Dawoodi, Beirut-Damascus: Dar al-Ilm - Al-Dar al-Shamiyah, 1414 AH (1992 CE).
18. Jawhari, Ismail bin Hamad, *Taj al-Lughah wa Sahah al-Arabiyyah (Crown of Language and Authentic Arabic)*, Edited by Ahmad Abdul Ghafour Attar, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1410 AH (1991 CE).
19. Kaf'ami Amili, Ibrahim bin Ali, *Al-Misbah Jannat al-Iman al-Waqiyah (The Lantern: The Protective Garden of Faith)*, Qom: Dar al-Razi Zahidi, 1405 AH (1986 CE), 2nd Edition.
20. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, *Al-Kafi*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1365 SH (1986 CE), 4th Edition.
21. Maghribi, Qadi Abu Hanifah Nu'man bin Mohammad, *Da'a'im al-Islam (Pillars of Islam)*, Qom: Al-Bayt Foundation for Reviving Heritage, 1383 AH (2004 CE), 2nd Edition.
22. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Beirut: Al-Wafa Institute, 1403 AH (1984 CE), 2nd Edition.
23. Mo'in, Mohammad, *Farhang-e Farsi Mo'in (Mo'in Persian Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir, 1371 SH (1992 CE).
24. Nasai, Ahmad bin Ali, *Al-Sunan al-Kubra (The Great Sunnah)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1411 AH (1990 CE).
25. Naysābūrī, Muslim bin Hajjaj, *Sahih Muslim (Authentic Muslim)*, Cairo: Dar al-Hadith, 1412 AH (2009 CE).
26. Nuri, Muhaddith Mirza Hussain, *Mustadrak al-Wasa'il (Supplement to the Means)*, Qom: Al-Bayt Foundation, 1408 AH (2007 CE).
27. Razi, Abu al-Husayn Ahmad bin Faris, *Mu'jam Maqayis al-Lugha (Dictionary of Linguistic Standards)*, Qom: Publications Office of Islamic Preaching, 1404 AH (1985 CE).
28. Saduq, Mohammad bin Ali bin Babawayh, *Al-Amali (The Dictations)*, Tehran: Ketabchi, 1376 SH (1997 CE), 6th Edition.
29. Saduq, Mohammad bin Ali bin Babawayh, *Fada'il al-Ashhur al-Thalathah (The Virtues of the Three Months)*, Qom: Maktabah Davari, 1396 AH (2017 CE).
30. Saduq, Mohammad bin Ali bin Babawayh, *Ma'ani al-Akhbar (Meanings of the Reports)*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Islamic Seminary in Qom, 1403 AH (2023 CE).
31. Saduq, Mohammad bin Ali bin Babawayh, *Thawab al-A'mal wa Iqab al-A'mal (The Rewards and Punishments of Actions)*, Qom: Dar al-Sharif al-Razi, 1406 AH (2007 CE), 2nd Edition.
32. San'ani Hamiri, Abu Bakr Abdul Razzaq bin Humam, *Al-Musannaf*, Edited by Habib al-Rahman Azami, Beirut: Scientific Council, 1403 AH (1984 CE).

33. Sheikh Mufid, Mohammad bin Mohammad, *Al-Muqni'ah (The Sufficient)*, Qom: World Congress of the Millennium of Sheikh Mufid (RA), 1413 AH (1994 CE).
34. Shua'yari, Taj al-Din Mohammad bin Mohammad, *Jami' al-Akhbar (Collection of Reports)*, Najaf: Haydariyah Press, n.d.
35. Tabarani, Sulayman bin Ahmad, *Al-Mu'jam al-Kabir (The Great Lexicon)*, Cairo: Maktabah Ibn Taymiyyah, n.d.
36. Tabarani, Sulayman bin Ahmad, *Musnad al-Shamiyyin (The Hadith Collection of the People of Sham)*, Beirut: Al-Risalah Foundation, 1409 AH (1988 CE).
37. Tabarsi, Fadl bin Hasan, *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Collection of Clarifications in Quranic Exegesis)*, 3rd Edition, Tehran: Nasir Khusraw Publications, 1372 SH (1993 CE).
38. Tabarsi, Hasan bin Fadl, *Makarim al-Akhlaq (Noble Morals)*, Qom: Sharif Razi Publications, 1412 AH (1991 CE), 4th Edition.
39. Tabatabaei, Sayyid Mohammad Hussain, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quranic Exegesis)*, Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications, 1390 AH (2011 CE).
40. Tirmidhi, Mohammad bin Isa, *Sunan al-Tirmidhi (Tirmidhi's Sunnah)*, Cairo: Dar al-Hadith, 1419 AH (1998 CE).
41. Tusi, Mohammad bin Hasan, *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran (Clarification in Quranic Exegesis)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
42. www.khamenei.ir.